



رامین فخاری

دانشجوی ارشد مطالعات خاورمیانه

انتخابات خرداد ۱۴۰۰ یکی از حساس‌ترین انتخابات ریاست‌جمهوری ایران در طول تاریخ ۴۳ ساله انقلاب اسلامی است، زیرا نتیجه انتخابات می‌تواند مسیر سیاست خارجی و دیپلماسی و به تبع آن اقتصاد ایران را دچار دگرگونی مثبت یا منفی کند. مردم ایران باید از انتخاب کاندیداهایی که ممکن است بدون در نظر گرفتن تبعات احتمالی یک اظهار نظر در سطح جهانی دست به اظهار نظرهای جنجالی بزنند، پرهیز کنند. این مساله را نیز می‌توان مطرح کرد که کاندیداهایی که محتمل است در آینده دست به اظهار نظرهای جنجالی و هزینه‌زا برای ایران بزنند، به‌راحتی می‌توان از لایه‌لای سخنان خود در مناظره‌ها و وعده‌های انتخاباتی‌شان تشخیص داد. بدون تردید شخصی که در وعده‌های انتخاباتی خود غلو می‌کند و یارانه‌هایی را وعده می‌دهد که از توان اقتصاد امروز ایران خارج است در آینده نیز می‌تواند با اظهار نظرهای جنجالی کل جامعه بین‌الملل را علیه ایران بسیج کند. این سوال مطرح می‌شود که آیا شخصی که تمام عمرش در دستگاه قضا مشغول خدمت‌رسانی بوده و با در نظر گرفتن اینکه خدمات مفیدی هم در دستگاه قضا انجام داده است الزاماً می‌تواند دیپلمات و اقتصاددان خوبی هم باشد و اقتصاد ایران را هدایت کند؟ آیا فردی که تمام عمر با آرای قضائی سروکار داشته است، در مواقع مورد نیاز که کشور در بیخ‌گرفته قرار دارد، می‌تواند با انعطاف لازم کشور را از خطر سقوط نجات دهد؟ بی‌تردید سوابق دیپلماتیک و اقتصادی افراد می‌تواند در آینده سیاسی آنها تأثیرگذار باشد؛

کاندیدایی که بنا به ادعای برادرش در ۶۶سالگی هنوز در خانه استیجاری ساکن است، نمی‌تواند گزینه مناسبی برای هدایت اقتصاد و سیاست ایران در حوزه بین‌الملل باشد و باید بیشتر به سمت توسعه امور کشور پیش برود. یا مثلاً کاندیدایی که ادعا می‌کند بلافاصله بعد از پیروزی‌اش آمریکا را تحت‌فشار خواهد گذاشت تا تحریم‌ها را لغو کند دید درستی از موقعیت اقتصادی و سیاسی نظامی ایران ندارد و به این مساله توجه نمی‌نماید. نه اقتصاد ایران و نه بودجه نظامی ایران و نه موقعیت ایران به شکلی نیست که بتواند آمریکا را تحت‌فشار قرار دهد. بودجه ۷۰۰ میلیارد دلاری نظامی سالیانه آمریکا از کل اقتصاد ایران بیشتر است. هیچ دلیل منطقی‌ای وجود ندارد که آمریکا با فشار کاندیدا فوق به پای مذاکرات بازگردد. بدون تردید می‌توان این مساله را نیز مطرح کرد که کاندیدایی که از هم‌اکنون اقدام به اظهار نظرهای جنجالی از این قبیل می‌کند در صورت پیروزی نیز می‌تواند با اظهار نظرهای مشابهی برای اقتصاد و معیشت مردم و کارگران ایرانی هزینه‌زایی کند. حال در نهایت باید این مساله را مطرح کرد که وجود دولت جو بایدن در آمریکا یک فرصت طلایی برای حل منازعات بین ایران و ایالات متحده است. دولت بایدن تضادهای بسیاری با اسرائیل دارد و سیاست اعمالی دولت آمریکا در جهت مهار چین پیشی رفته است. حال روی کار آمدن یک کاندیدای تندرو، که قادر به اظهار نظرهای جنجالی است، می‌تواند حواس کل دنیا را از سمت چین به سمت ایران جلب کند و دوباره اجماع جهانی علیه ایران ایجاد کند.

بنابراین نتیجه‌ای که حاصل می‌شود عبارت است از تداوم وضعیت گرانی‌های موجود، تورم افسار‌سیخته که در نتیجه آن خرید مسکن و اتومبیل برای بخش زیادی از مردم تبدیل به آرزو شده است. مردم ایران یک بار این مساله را تجربه کرده‌اند. حال واضح است که یک انتخاب اشتباه یا عدم‌حضور در انتخابات به واسطه یک قهر مقطعی ناشی از شرایط اقتصادی و اجتماعی، می‌تواند سیاست داخلی و خارجی و اقتصاد ایران را برای دوره چند رئیس‌جمهور تحت‌تأثیر قرار دهد و تبعات جبران‌ناپذیرتری را به همراه داشته باشد. مغلطه‌ای که معمولاً رایج است این است که اوضاع از این بدتر نمی‌شود. در حالی که همیشه به واسطه عدم‌حضور مردم امکان بدتر شدن اوضاع وجود دارد. بدون تردید دولت روحانی شکست‌های زیادی را در زمینه اقتصاد خورده که بخشی از آن را نیز می‌توان در بدشانسی روحانی در هم‌زمان شدن ریاست‌جمهوری‌اش با دوران سیاه ترامپ دید، ولی در هر حال برای حل منازعات در منطقه و با آمریکا این به دولتی نیازمند است که حداقل از نظر دیپلماتیک گام‌هایی را که دولت روحانی برداشته است ادامه دهد و از نظر بعد داخلی به اقتصاد درون‌زا و تولید داخلی نیز توجه بیشتری داشته باشد.

سیدمصطفی هاشمی طباطرانی گفت وگوبا «آرمان ملی»:

وعده‌های توخالی از زمان احمدی‌نژاد آغاز شد

کاندیداهایگوبیندبا دامه‌شرایط تحریم‌چپ‌برنامه‌مشخصی دارند؛عوام‌فربیی‌نکنند

با چراغ جادو نمی‌توان مشکلات کشور را حل کرد

برخی کاندیداندنبال‌رای‌آوری‌نیستند،بلکه‌به‌دنبال‌توجیه‌خود هستند

یگوبیندچرا این‌هفت‌نفرگزینه‌های‌مناسبی‌برای‌ریاست‌جمهوری‌هستند

اصلاح‌طلبان‌بامهر‌علیزاده‌در‌باره‌دولت‌سوم‌اصلاحات‌گفت‌وگو‌کنند

آرمان ملی – احسان انصاری: فضای رقابت‌های ریاست‌جمهوری همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. هنوز مشخص نیست آیا جریان اصلاحات به صورت تمام‌قد از عبدالناصر همتی یا محسن مهرعلیزاده حمایت خواهد کرد یا خیر. از سوی دیگر هنوز مشخص نیست آیا میزان مشارکت در انتخابات به اندازه‌ای خواهد بود که یک دوقطبی انتخاباتی شکل بگیرد یا اینکه گزین

اصولگراییان در نهایت پیروز انتخابات خواهد بود. از سوی دیگر آنچه مشهود است متوسل شدن کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای جلب آرای مردم به دادن وعده‌هایی است که زیاد با شرایط کشور همخوانی ندارند. دادن وام و افزایش یارانه نقدی از جمله مهمترین شعارهایی است که دولت با کسری بودجه مواجه است، با واقعیت فاصله دارند. به همین دلیل برای بررسی مهمترین تحولات و شرایط انتخابات ریاست‌جمهوری «آرمان ملی» با مهندس سیدمصطفی هاشمی‌طبا، کاندیدای ریاست‌جمهوری سال ۹۶گفت‌وگو کرده است. هاشمی‌طبا معتقد است: «یک ضرب‌المثل در فارسی وجود دارد که عنوان می‌کند «آب ریخته را نمی‌شود بازگرداند». وضعیت امروز جامعه به دلیل تصمیم‌گیری‌های اشتباهی است که در گذشته صورت گرفته است. راهکاری نیز نمی‌توان ارائه کرد و تنها می‌توان اظهارامیدواری کرد که مردم در انتخابات مشارکت داشته باشند. شاید کاندیداهای ریاست‌جمهوری به دلیل همین وضعیت است که تلاش می‌کنند شعارهایی را مطرح کنند که با عوام‌فربیی سبب تشویق مردم برای حضور در انتخابات شود. این در حالی است که مقام معظم رهبری عنوان کرده‌اند کاندیداهای ریاست‌جمهوری وعده‌هایی که در حد توانایی آنها نیست و جنبه واقعی ندارد به مردم ندهند چرا که باعث دلسردی خواهد شد. این در حالی است که کاندیداهای ریاست‌جمهوری بدون توجه به وضعیت کشور برای جلب آرای مردم وعده می‌دهند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

از ربابی‌شما از وضعیت برنامه‌های کاندیداهای ریاست‌جمهوری چیست؟ آیا این ترکیب کاندیداهای انتخاباتی می‌تواند زمینه‌ساز حل مشکلات کشور شود؟

واقعیت این است که ما هنوز نمی‌دانیم شورای نگهبان با چه روشی نامزدها را تایید صلاحیت کرده است. ما هنوز نمی‌دانیم چرا فردی مانند آقای پزشکیان ردصلاحیت شده است. هنگامی که دلیل آن را نمی‌دانیم نمی‌توانیم به صورت دقیق درباره آن اظهارنظر کنیم. ما نمی‌دانیم چرا آقای محسن هاشمی ردصلاحیت شده و استدلال در این زمینه چه بوده است. از همه مهمتر اینکه ما هنوز نمی‌دانیم افرادی که تاییدصلاحیت شده‌اند با توجه به چه ویژگی‌ها و توانایی‌هایی و پارامتری تأیید شده‌اند. در قانون اساسی ویژگی‌های مهمی برای کاندیدای ریاست‌جمهوری از جمله اعتماد در نظر گرفته شده است. به همین دلیل نکته کلیدی این است که بدانیم چگونه این افراد تأییدصلاحیت شده‌اند و در مقابل چرا باقیه افراد که شایستگان زیادی نیز در بین آنها وجود داشته‌اند، ردصلاحیت شده‌اند. نهاد مربوطه در این زمینه شفاف‌سازی نکرده‌اند و گمان می‌کنند این شفاف‌سازی باید تنها در بین خودشان انجام شود. بسیاری از کسانی که ردصلاحیت شده‌اند عنوان می‌کنند که دوست دارند دلیل ردصلاحیت خود را بدانند تا مردم در جریان قرار بگیرند. از سوی دیگر باید مشخص کند که از چه راه و رویکردی متوجه شده‌این هفت نفرمتدین و مدیر و رجل سیاسی بوده‌اند که توانایی اداره کشور را دارند. مردم تمایل دارند، بدانند معیار برای تقوای کاندیداهای ریاست‌جمهوری چیست؟ اگر در این زمینه شفاف‌سازی کنند به یک راهنما برای مردم تبدیل خواهد شد. اگر شورای نگهبان دلایل تأییدصلاحیت این افراد را بیان کند بسیاری از مردم برای مقایسه این کاندیداهای شرایط بهتری خواهند داشت و به صورت بهتری تصمیم‌گیری خواهند کرد. از سوی دیگر سلامت افراد نیز برای حضور در رقابت‌های انتخاباتی حائز اهمیت است. به عنوان مثال اگر کسی بیماری پیشرفته قند داشته باشد آیا برای ریاست‌جمهوری فرد مناسبی است؟ آیا کسی که بر اثر کپولت سن ناشنوا است برای ریاست‌جمهوری فرد مناسبی است؟ بهتر است درباره عملکرد خود در زمینه تصمیمی که برای انتخاب افراد گرفته‌اند برای افکار عمومی جامعه شفاف‌سازی کنند. در غیر این صورت نمی‌توان در این باره قضاوت کرد و چنین قضاوتی جاهلانه و غیرعلمی خواهد بود.

مقام معظم رهبری درباره عدم احراز صلاحیت برخی افراد عنوان کرده‌اند که در حق آنها ظلم و جفا شده است. در چنین شرایطی انتظار بود نهادهای تصمیم‌گیر برای جریان این جفا اقداماتی را انجام بدهند اما در عمل چنین اتفاقی رخ نداده است. دیدگاه شما در این زمینه چیست؟

اگر ردصلاحیت افراد به حق باشد هیچ ایرادی ندارد و قانون چنین اجازه‌ای به افراد می‌دهد. ما هنوز نمی‌دانیم به چه دلایلی آقای لاریجانی را ردصلاحیت شده است. این در حالی است که دلایل این مسأله نیز در حد گمانه‌زنی و شایعه بوده و هنوز هیچ مسئولی در این زمینه به صورت دقیق اظهار نظر نکرده است. اظهاراتی که درباره شرایط فرزند ایشان مطرح می‌شود دارای ابهام است و هنوز مشخص نیست این سخنان به چه میزان دقیق است و به چه میزان سخران به چه میزان دقیقی صورت گرفته است. نکته حائز اهمیت این است که آیا آقای لاریجانی همه شرایط ریاست‌جمهوری را داشته اما به دلیل اینکه فرزندایشان در آمریکا تحصیل می‌کرده ردصلاحیت شده یا اینکه دلایل دیگری نیز وجود داشته است. مشکل در عدم شفافیت است. هنگامی که همه چیز شفاف باشد و دلایل برای افکار عمومی بازگو شود، جای هیچ سوالی نیز باقی نمی‌ماند. ممکن است آقای لاریجانی به حق ردصلاحیت شده باشد اما به دلیل اینکه ما اطلاعات دقیقی در این زمینه نداریم، نمی‌توانیم به صراحت و با دقت درباره آن اظهار نظر کنیم. آقای لاریجانی در شرایط کنونی مشاور مقام معظم رهبری و نماینده ایشان در توافق ایران و چین بوده‌اند. به همین دلیل شورای

گروه‌های اصلاح‌طلب باید با آقای مهرعلیزاده وارد مذاکره شوند که هدف ایشان از دولت سوم اصلاحات چیست

و چنین دولتی چه رویکردی در پیش خواهد گرفت. آقای مهرعلیزاده عنوان کرده‌به دنبال تشکیل دولت سوم اصلاحات است. این در حالی است که این سخن با اماو اگرهایی مواجه است

نگهبان باید به صراحت عنوان کند که دلیل ردصلاحیت ایشان چه بوده است.

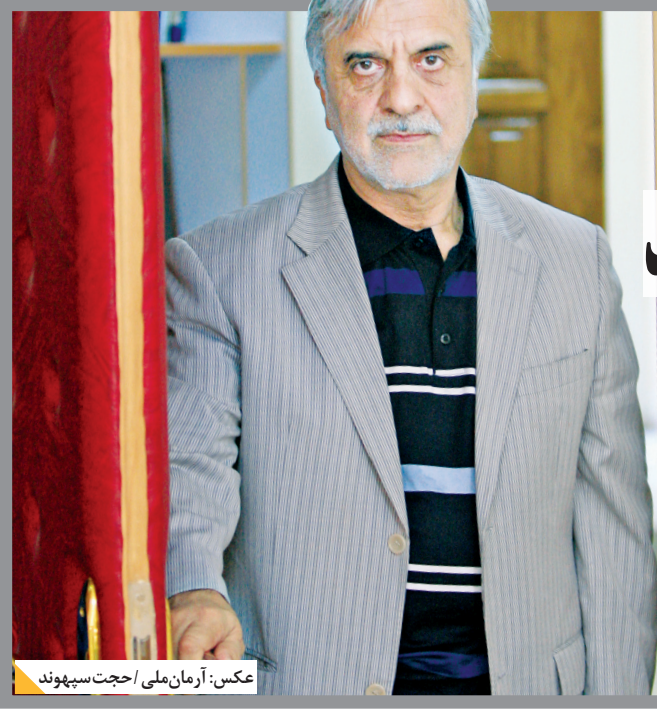
آقای مهرعلیزاده مدعی تشکیل دولت سوم اصلاحات است. این در حالی است که جریان اصلاحات پس از ردصلاحیت خود عنوان کرده در انتخابات ریاست‌جمهوری نامزدی ندارد و قصد ندارد از نامزدی حمایت کند. آیا تصمیم جریان اصلاحات در این زمینه صحیح بوده است؟

واقعیت این است که آقای مهرعلیزاده عضو هیچ کدام از گروه‌های اصلاح‌طلب نبوده است. هر چند ایشان در ذات خود یک اصلاح‌طلب هستند و در دولت اصلاحات نیز مسئولیت داشته‌اند. نهاد اجماع‌ساز چهارده نفر را به عنوان گزینه‌های نهایی جریان اصلاحات انتخاب کرده‌اند. این در حالی است که نام آقای مهرعلیزاده در بین این افراد نیز نبوده است. این در حالی است که آقای همتی با حزب کارگزاران سازندگی ارتباط داشته است. به همین دلیل نیز در شرایط کنونی حزب کارگزاران سازندگی از ایشان در انتخابات حمایت می‌کند.اصلاح‌طلبان اگر قرار است از آقای مهرعلیزاده حمایت کنند باید به یک جمع‌بندی برسند و پس از آن نتیجه را به افکار عمومی جامعه اعلام کنند. آقای مهرعلیزاده مدعی هستند به دولت تشکیل دولت سوم اصلاحات هستند. در شرایط کنونی این تنها یک ادعاست و چنین ادعایی نمی‌تواند به راحتی مورد تأیید قرار بگیرد. گروه‌های اصلاح‌طلب باید با ایشان وارد مذاکره شوند که هدف ایشان از دولت سوم اصلاحات چیست و چنین دولتی چه رویکردی در پیش خواهد گرفت. آقای مهرعلیزاده عنوان کرده به دنبال تشکیل دولت سوم اصلاحات است. این در حالی است که این سخن با اما و اگرهای زیادی مواجه است.

کاندیداهای انتخابات ریاست‌جمهوری در فضای انتخابات شعارهایی مانند وام ۵۰۰ میلیونی به جوانان، یارانه ۴۵۰ هزار تومانی ... و مطرح می‌کنند که به نظر می‌رسد با توجه به وضعیت بودجه کشور با واقعیت فاصله دارد. چرا کاندیداهای انتخاباتی به رغم علم به وضعیت اقتصادی کشور چنین شعارهایی را مطرح می‌کنند؟

این ماجرا دادن وعده‌های توخالی از زمان احمدنژاد آغاز شده و تا امروز ادامه داشته است. تحریم‌های آمریکا براساس پنج قانون مصوب کنگره آمریکا صورت گرفته است. برخی از این تحریم‌ها در اختیار رئیس‌جمهور آمریکا و بسیاری از آنها در اختیار کنگره آمریکا است و باید در کنگره درباره آنها تصمیم‌گیری شود. به همین دلیل تصور اینکه تحریم عمل کرده‌اند، واقعیت این است که مسائلی که در دولت آینده وجود خواهد داشت به اندازه‌های چالش‌برانگیز و بزرگ است که دولت نمی‌تواند در عمل اقدام موثری برای حل آنها انجام دهد. تنها در شرایطی که چنین اراده‌ای در رئیس‌جمهور و دولت وجود داشته باشد می‌توان نسبت به حل مشکلات امیدوار بود. به‌عنوان مثال نمایندگان مجلس یازدهم عنوان کرده‌اند قصد داشته‌اند ساختار بودجه کشور را تغییر بدهند و آن را بهتر کنند. این در حالی است که در عمل نه‌تنها چنین اتفاقی رخ نداده بلکه وضعیت بودجه بدتر هم شده است. واقعیت این است که ۹۰ درصد بودجه دولت صرف پرداخت حقوق کارمندان دولت، بانزنسنگان و پرداخت یارانه به مردم می‌شود. آیا کسی جرأت دارد که عنوان کند اگر رئیس‌جمهور شدم حقوق کارمندان را پرداخت نمی‌کنم یا به مردم یارانه نمی‌دهم؟ نکته دیگر اینکه در آمد دولت کم است و با کسری بودجه مواجه است. شرایط به شکلی نیست که کسی بتواند با چراغ جادو به یک‌باره همه مشکلات را حل کند. شرایط به راحتی تغییر نخواهد کرد. دلیل آن نیز این است که روش حکومت‌داری در کشور ما به همین صورت است. این در حالی است که برخی تلاش می‌کنند مردم را راضی کنند. مردم نیز با توجه به مشکلات زیادی که در زندگی خود دارند راضی نخواهند شد.

آرمان ملی



عکس: آرمان ملی / اجیت سپهوند

آرمان ملی – احسان انصاری: فضای رقابت‌های ریاست‌جمهوری همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار گرفته است. هنوز مشخص نیست آیا جریان اصلاحات به صورت تمام‌قد از عبدالناصر همتی یا محسن مهرعلیزاده حمایت خواهد کرد یا خیر. از سوی دیگر هنوز مشخص نیست آیا میزان مشارکت در انتخابات به اندازه‌ای خواهد بود که یک دوقطبی انتخاباتی شکل بگیرد یا اینکه گزین

اصولگراییان در نهایت پیروز انتخابات خواهد بود. از سوی دیگر آنچه مشهود است متوسل شدن کاندیداهای ریاست‌جمهوری برای جلب آرای مردم به دادن وعده‌هایی است که زیاد با شرایط کشور همخوانی ندارند. دادن وام و افزایش یارانه نقدی از جمله مهمترین شعارهایی است که دولت با کسری بودجه مواجه است، با واقعیت فاصله دارند. به همین دلیل برای بررسی مهمترین تحولات و شرایط انتخابات ریاست‌جمهوری «آرمان ملی» با مهندس سیدمصطفی هاشمی‌طبا، کاندیدای ریاست‌جمهوری سال ۹۶گفت‌وگو کرده است. هاشمی‌طبا معتقد است: «یک ضرب‌المثل در فارسی وجود دارد که عنوان می‌کند «آب ریخته را نمی‌شود بازگرداند». وضعیت امروز جامعه به دلیل تصمیم‌گیری‌های اشتباهی است که در گذشته صورت گرفته است. راهکاری نیز نمی‌توان ارائه کرد و تنها می‌توان اظهارامیدواری کرد که مردم در انتخابات مشارکت داشته باشند. شاید کاندیداهای ریاست‌جمهوری به دلیل همین وضعیت است که تلاش می‌کنند شعارهایی را مطرح کنند که با عوام‌فربیی سبب تشویق مردم برای حضور در انتخابات شود. این در حالی است که مقام معظم رهبری عنوان کرده‌اند کاندیداهای ریاست‌جمهوری وعده‌هایی که در حد توانایی آنها نیست و جنبه واقعی ندارد به مردم ندهند چرا که باعث دلسردی خواهد شد. این در حالی است که کاندیداهای ریاست‌جمهوری بدون توجه به وضعیت کشور برای جلب آرای مردم وعده می‌دهند». در ادامه ماحصل این گفت‌وگورا می‌خوانید.

کسی که مدعی این مسأله است هنوز مشخص نکرده این پول به‌صورت وام خواهد بود یا وام بلاعوض. ۲۸۰ هزار میلیارد تومان به معنای یک‌سوم بودجه کل کشور است. این در حالی است که بودجه کل کشور در سال‌های اخیر با کسری بودجه قابل توجهی مواجه بوده است. به همین دلیل چنین ادعاهایی تنها برای عوام‌فربیی و جذب آرای مردم است و هیچ سندیتی ندارد. یکی دیگر از کاندیداها نیز مدعی است در روز دو میلیون بشکه نفت می‌فروشد و به مردم یارانه ۴۵۰ هزار تومانی می‌دهد. این در حالی است که نقدینگی موجود در بازار و تورم چالش‌های بسیار جدی برای معیشت مردم به وجود آورده است. به نظر می‌رسد برخی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری حرفی برای گفتن ندارند و به همین دلیل دست به عوام‌فربیی می‌زنند. یکی دیگر از کاندیداهای ریاست‌جمهوری عنوان می‌کند قصد دارد حکمرانی را در ایران تغییر بدهد. این در حالی است که اصلاح‌طلبی متعلق به رئیس‌جمهور است و درک نکرده‌اند و به همین دلیل چنین ادعاهایی را مطرح می‌کنند. مگر رئیس‌جمهور می‌تواند حکمرانی را تغییر بدهد؟ کار به‌جایی رسیده که برخی عنوان می‌کنند اگر رئیس‌جمهور حکم حکومتی صادر کند طبیعتاً مدت‌س روز وضعیت بورس درست می‌شود. این در حالی است که اصلاح‌حکومتی متعلق به رئیس‌جمهور نیست و متعلق به ولی‌فقیه است. این افراد به‌خوبی متوجه شرایط انتخابات هستند و می‌دانند انتخاب نمی‌شوند. به همین دلیل تلاش می‌کنند با چنین حرف‌هایی برای خود طرفدار جمع کنند و خود را در جامعه توجیه کنند.

بهرتر است مشخص شود که از چه راه و رویکردی متوجه شده‌این هفت نفر متدین بوده و مدیر و رجل سیاسی بوده‌اند و توانایی اداره کشور را دارند. معیار برای تقوای کاندیداهای ریاست‌جمهوری چیست؟ اگر در این زمینه شفاف‌سازی کنند به یک راهنما برای مردم تبدیل خواهند شد

نشان‌دهنده کاهش مشارکت مردم در انتخابات نسبت به انتخابات گذشته است. به نظر شما در روزهای منتهی به انتخابات چگونه می‌توان مردم را اقناع کرد که در پای صندوق‌های رای حاضر شوند؟

یک ضرب‌المثل در فارسی وجود دارد که عنوان می‌کند «آب ریخته را نمی‌شود بازگرداند». وضعیت امروز جامعه به دلیل تصمیم‌گیری‌های اشتباهی است که در گذشته صورت گرفته است. راهکاری نیز نمی‌توان ارائه کرد و تنها می‌توان اظهارامیدواری کرد که مردم در انتخابات مشارکت داشته باشند. شاید کاندیداهای ریاست‌جمهوری به دلیل همین وضعیت است که تلاش می‌کنند شعارهایی را مطرح کنند که با عوام‌فربیی سبب تشویق مردم برای حضور در انتخابات شود. این در حالی است که مقام معظم رهبری عنوان کرده‌اند کاندیداهای ریاست‌جمهوری وعده‌هایی که در حد توانایی آنها نیست و جنبه واقعی ندارد به مردم ندهند چرا که باعث دلسردی خواهد شد. این در حالی است که کاندیداهای ریاست‌جمهوری بدون توجه به وضعیت کشور برای جلب آرای مردم وعده می‌دهند.

یک توجه به فضای انتخابات، رئیس‌جمهور بعدی کشور را یک اصولگرایی دانید یا اصلاح‌طلب؟

بنده معتمد اگر آقای رئیسی از انتخابات انصراف ندهند و تا پایان انتخابات در صحنه باشند شرایط انتخابات به شکلی است که احتمال ریاست‌جمهوری ایشان بیشتر از بقیه است. دولت‌های ما شاید در شعار و حرف رویکردهای متفاوتی داشته‌اند اما به یک شیوه عمل کرده‌اند. واقعیت این است که مسائلی که در دولت آینده وجود خواهد داشت به اندازه‌های چالش‌برانگیز و بزرگ است که دولت نمی‌تواند در عمل اقدام موثری برای حل آنها انجام دهد. تنها در شرایطی که چنین اراده‌ای در رئیس‌جمهور و دولت وجود داشته باشد می‌توان نسبت به حل مشکلات امیدوار بود. به‌عنوان مثال نمایندگان مجلس یازدهم عنوان کرده‌اند قصد داشته‌اند ساختار بودجه کشور را تغییر بدهند و آن را بهتر کنند. این در حالی است که در عمل نه‌تنها چنین اتفاقی رخ نداده بلکه وضعیت بودجه بدتر هم شده است. واقعیت این است که ۹۰ درصد بودجه دولت صرف پرداخت حقوق کارمندان دولت، بانزنسنگان و پرداخت یارانه به مردم می‌شود. آیا کسی جرأت دارد که عنوان کند اگر رئیس‌جمهور شدم حقوق کارمندان را پرداخت نمی‌کنم یا به مردم یارانه نمی‌دهم؟ نکته دیگر اینکه در آمد دولت کم است و با کسری بودجه مواجه است. شرایط به شکلی نیست که کسی بتواند با چراغ جادو به یک‌باره همه مشکلات را حل کند. شرایط به راحتی تغییر نخواهد کرد. دلیل آن نیز این است که روش حکومت‌داری در کشور ما به همین صورت است. این در حالی است که برخی تلاش می‌کنند مردم را راضی کنند. مردم نیز با توجه به مشکلات زیادی که در زندگی خود دارند راضی نخواهند شد.

سیاسی ۱۱

جستار

تأثیر کرونا

بر معنای حکمروایی در ایران



مقصود فر استخوان

استاد دانشگاه

کرونا و الگوی حکمرانی در ایران ما نیازمند خانه‌تکانی اساسی است و ما نیازمند تغییرات جدی در الگوی اداره جمعیت هستیم. اداره این جمعیت، دست‌کم نیازمند یک نگاه فنی است. نگاه علمی به اداره جمعیت نباید تا این حد اسیر نگاه ایدئولوژیک و یک جانبه‌گرایانه مقامات شود. اما در اینجا پرسش آن است که کرونا با سیاست در ایران چه می‌کند؟ به گمان نویسنده احتمالاً کرونا معنای فنی سیاست را افزایش بدهد. یعنی هم مقامات و هم مردم؛ هر دو در سطحی به این نتیجه برسند (البته امیدوارم مقامات محترم برسند) که حکمروایی، عملی فنی است. اداره جمعیت، کاری فنی است و با وعظ و اندرز و تبلیغات پروپاگاندا و دعای ایدئولوژیک برگزار نمی‌شود. جامعه ما کوچک‌نگه داشته شده است و باید بزرگ بشود و خود را به سطوح بیشتری از بلوغ برساند. این مساله با قیومیت درست نمی‌شود؛ باید خودش سازمان پیدا بکند، عمل بکند و یاد بگیرد. دولت‌اما بزرگ و در همان حال ناکارآمد است و مشروعیشت نیز محل بحث است. حکومت همه‌جا هست. چیزی از زندگی ما نیست که چشم‌سراسرین حکومت به آن نگاه ندوزد و دخالت نکند. اما در این بحران نتوانسته است مداخله منطقی، بهنگام، صحیح و موچه و مؤثر داشته باشد. در این رابطه رفتارهای چند گزینه می‌بینیم؛ از داخل جامعه دولت‌های متناقض به گوش می‌رسد. اگر از ابتدا این نوع سیاست به شدت سیاسی؛ بر امر پزشکی و علمی و فنی غلبه نمی‌یافت، شاید کنترل زنجیره شیوع، اکنون رضایت‌بخش‌تر هم‌که‌زیوتر بود و لطمه‌ها به مراتب اندک. پس ما هنر به تمرکز روی می‌راندیم و از ناکارآمدی هم رنج می‌بریم و این از عجایب عالم است. شاید یک پیامد شیوع بیماری کووید ۱۹ آن باشد که مفهوم حکومت‌مندی اهمیت پیدا می‌کند و مردم به این نتیجه برسند که رضایت‌دهنده حکومتی نباید و بگوید شما زندگی کنید من هم عمل می‌حکمروایی (به آن معنای فوق‌فوقی‌اش) و اداره جمعیت را انجام می‌دهم. در اینجا آیا سیاست به معنای عمل فنی تسهیلگری شهرها خواهد بود؛ شهر به معنای حیطه‌های خودگردان اجتماعی. بدون تقویت جامعه مدنی و محلی این نوع نگاه چه از آب در خواهد آمد؟

اینکه ضعف و قوت الگوی حکومت‌مندی خصوصاً برای جامعه ما چیست باید در جای خود بحث شود اما به نظر می‌رسد مفهوم حکومت‌مندی، از یک ویروس تغذیه‌ی کند و بزرگ‌ترین جامعه به ما نشان‌هایی رسیده ولی ما چندان توجه نکرده‌ایم. این بار اما نشانهای از طبیعت سیرکش رسیده است؛ بلکه آن را جدی بگیریم، امیدوارم اصلاحاتی در اداره کشور صورت بگیرد؛ ممکن است دیر شود. ما نیازمند خانه‌تکانی اساسی و تغییرات جدی در الگوی اداره جمعیت هستیم. اداره این جمعیت، دست‌کم نیازمند یک نگاه فنی است. نگاه علمی به اداره جمعیت نباید تا این حد اسیر نگاه یک جانبه‌گرایانه بشود. جمعیت ایران خصیمه‌های کاملاً متفاوت و متنوعی پیدا کرده و متحول شده است و اداره آن نیازمند، تغییر نگاه و رفتار و نیازمند اصلاحات ساختاری اساسی و شیوه متفاوتی است. حداقل بپذیریم که عمل حکمروایی یک عمل فنی است. اما متأسفانه این اتفاق نیز نمی‌افتد، ساختن کار اعمال مدیریت در ایران و الگوی حکمرانی‌ما دچار ایرادهای اساسی است و مشکل‌ساز و خطرناک شده است. بخشی از حاکمیت، مساله را بر گردن قوه مجریه می‌اندازد و قوه مجریه نیز تقصیر‌ها را بر گردن نهادهای دیگر. این در حالی است که مساله اصلا در کل است و ایراد کار، اساسی‌تر است. راه‌حل‌های ایدئولوژیک چه از سوی حکومت و چه مدعیان بیرون از حکومت جواب نمی‌دهد. نیاز گذاشت صدای منتظران ناصح و دانشمندان مستقل نیز بلند شود تا آنها قدری کلمات را دشوار بکنند؛ کلماتی را که برای سیاسی‌مردان آسان شده است، دشوار بکنند. امری که آن را یک صورت مسأله علمی دشوارش کنیم، حلش به مراتب آسان‌تر از «مشکلات ساده شده ایدئولوژیک» است.

دیدگاه

ضرورت اشتغال ونشاط آفرینی جوانان



مجید ابهری

آسیب‌شناس اجتماعی

نگاه مردم به دولت‌ها از در پیچه نیازها و مشکلات خود است. هر دولتی که بتواند سریع‌تر این مشکلات را حل کند، مورد قبول مردم خواهد بود. جوانان به‌عنوان سرمایه و نیرو و کار جامعه محسوب می‌شوند. و غدغه بیکاری آنها در درجه اول باید مورد توجه دولت آینده قرار گیرد، سپس بسترهای لازم برای ازدواج، تشکیل خانواده و مسکن برای جوانان فراهم شود. این مسائل دارای اهمیت زیادی است. در هر خانواده یک جوان بیکار و تحصیلکرده وجود دارد که به دلیل بیکاری دچار مشکلات روحی و روانی برای خود و خانواده شده‌اند. بیش از ۰۱ میلیون مجرد در کشور وجود دارد که باید برای آن‌ها امکانات ازدواج و تسهیلات تأمین‌سود کردن فراهم شود و این موضوع در دستور کار دولت قرار گیرد. افزایش رهن و اجاره خانه با توجه به تورمی که در کشور وجود دارد، باعث شده است خیلی از جوانان جرات ازدواج و تشکیل خانواده را پیدا نکنند. تأمین مسکن و ایجاد اشتغال‌زایی برای جوانان، یکی از برنامه‌های ویژه دولت است. همچنین غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان باید در نظر گرفته شود. یکی از دلایل روی آوردن افراد به آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، خودکشی و محذور جامعه است. با توجه به شیوع ویروس کرونا و محدود شدن سفرها و تفریحات خیلی از مردم دچار افسردگی شده‌اند؛ باید برای نشاط جامعه برنامه داشت. باید امکانات تفریحی و ورزشی را ییگات در جامعه افزایش یابد. باید با استفاده از نظرات و مطالبات علمی نخبگان و صاحب‌نظران آرامش را به خانواده و جوانان بازگرداند. اگر برنامه‌هایی همچون اشتغال‌زایی، مسکن و نشاط‌آفرینی در دولت آینده مورد توجه قرار بگیرد، نرخ افسردگی، خودکشی، اعتیاد، طلاق، مهاجرت و روابط نامشروع رشد پیدا می‌کند و مشکلات بزرگ‌تر می‌شود.